

#### یادداشت

از مکانیسم ماشه تا غنی‌سازی صفر؛

### بازتولید شکاف‌ها در شورای امنیت



محسن شریف‌خدائی

تحلیلگر روابط بین الملل

نشست اخیر شورای امنیت سازمان ملل درباره ایران که به درخواست آمریکا، بریتانیا، فرانسه، دانمارک، یونان، اسلونی و کره جنوبی برگزار شده است، بیش از آنکه تهدیدی عملی یا آغازگر روندی جدید باشد، یادآور اجرای مکانیسم ماشه و بازتولید شکاف میان اعضای شوررا بود. در این جلسه، هیچ دستورکار اجرایی تازه‌ای مطرح نشد و هیچ قطع‌نامه‌ای روی میز قرار نگرفت؛ فقط مواضع پیشین تکرار شد و جنگ روایت‌ها میان غرب، چین و روسیه، ایران و کشورهای غیرمتعهد ادامه یافت. همین امر نشان می‌دهد شورای امنیت همچنان در وضعیتی قرار دارد که قادر نیست درباره مسیر آینده پرونده ایران به اجماع برسد. این جلسه، برخلاف برخی گمانه‌زنی‌ها، نه تهدیدی فوری علیه ایران ایجاد کرد و نه زمینه‌ساز اقدام جدیدی شد، بلکه بیشتر صحنه‌ای برای تثبیت مواضع گذشته و ارسال پیام‌های سیاسی به تهران بود، هرچند تحریم‌ها هنوز وجود دارند. در این نشست، سه کشور غربی –آمریکا، بریتانیا و فرانسه– بار دیگر بر ادعای «تهدید فزاینده برنامه هسته‌ای ایران» تأکید کردند. آنها با اشاره به گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدعی شدند ایران با افزایش سطح و حجم غنی‌سازی، از چارچوب‌های برجام فاصله گرفته و باید تحت فشار بیشتری قرار گیرد. اما نکته مهم‌تر، موضع جدید نماینده آمریکا بود که با استناد به سیاست‌های دولت ترامپ، پیشنهاد بازگشت ایران به میز مذاکره را مطرح کرد، اما با شرط «غنی‌سازی صفر». این شرط که به معنای پایان کامل چرخه سوخت هسته‌ای ایران است، نه‌تنها با حقوق ایران در چارچوب «ان‌پی‌تی» در تعارض است، بلکه نشان می‌دهد واشنگتن به دنبال توافقی کاملاً جدید و فراتر از برجام است. در پاسخ، نماینده ایران در سازمان ملل، این شرط را قاطعانه رد کرد و آن را «غیرقابل قبول» و «نقض حقوق ذاتی ایران» دانست.

در مقابل، چین و روسیه بار دیگر مشروعیت اجرای مکانیسم ماشه را زیر سؤال بردند و روند فعال‌سازی آن را «غیرقانونی» و «فاقد اعتبار حقوقی» توصیف کردند. آنها تأکید کردند کشورهای اروپایی که خود از تعهدات برجام عدول کرده‌اند، نمی‌توانند از سازوکارهای آن برای فشار بر ایران استفاده کنند. روسیه حتی برگزاری جلسه را «دستورک سازخنگی» خواند و ریاست شورا –نماینده اسلونی– را متهم کرد تحت فشار غرب، اقدام به برپایی این جلسه کرده است. ایران در روایت رسمی خود تأکید می‌کند که براساس قطع‌نامه ۲۲۳۱، تمام محدودیت‌ها در اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و از آن تاریخ به بعد هیچ‌گونه محدودیت یا سازوکار مرتبط با برجام –و نیز مکانیسم ماشه– وجود خارجی ندارد. در بیانیه‌های رسمی وزارت خارجه ایران تصریح شده است: «دوره ۱۰ساله قطع‌نامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ پایان یافته و تمامی تعهدات و محدودیت‌های آن ازجمله سازوکارهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران خاتمه یافته است». از نگاه تهران، با پایان این دوره، پرونده هسته‌ای ایران باید از دستور کار شورای امنیت خارج شود و ایران مانند هر عضو عادی «ان‌پی‌تی» تلقی شود. در مقابل، روایت غرب کاملاً متفاوت است: آمریکا و کشورهای غربی مدعی هستند که به دلیل «عدم پایبندی ایران به تعهدات برجامی» مکانیسم ماشه از سوی سه کشور اروپایی، فرانسه، آلمان و بریتانیا، فعال شده و بنابراین قطع‌نامه‌های پیشین شورای امنیت و محدودیت‌های مرتبط همچنان معتبر و قابل اجرا هستند. از دید آنها، انقضای تقویمی مانع از تداوم تحریم‌ها نیست و فعال‌سازی مکانیسم ماشه عملاً «بازگشت خودکار» تحریم‌ها را رقم زده است. این دو روایت متضاد –یکی مبتنی بر انقضای زمانی و دیگری مبتنی بر تفسیر حقوقی از مکانیسم ماشه– به یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف در شورای امنیت تبدیل شده و زمینه‌ساز تداوم بن‌بست سیاسی و حقوقی در پرونده ایران شده است.

نقش کشش کشورهای غیرمتعهد مانند پاکستان و الجزایر در خور توجه است. پاکستان با صراحت اعلام کرد که تحریم‌ها مردم عادی را هدف قرار داده و تنها راه‌حل پایدار، بازگشت به دیپلماسی و احیای گفت‌وگوهای سیاسی است. الجزایر نیز بر ضرورت «راه‌حل سیاسی» تأکید و هشدار داد که تشدید فشارها فقط به افزایش بی‌اعتمادی و پیچیده‌ترشد بحران منجر می‌شود.

با کنار هم قراردادن این مواضع روشن می‌شود که جلسه اخیر شورای امنیت نه نقطه عطفی در پرونده ایران بود و نه آغازگر روندی تازه؛ این جلسه بیشتر به صحنه‌ارایی برای تثبیت جنگ روایت‌ها از سوی کشورهای غربی و چین و روسیه تبدیل شد؛ غرب بر تهدید آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد، چین و روسیه بر غیرقانونی‌بودن اجرای مکانیسم ماشه پافشاری کردند، کشورهای غیرمتعهد خواستار بازگشت به دیپلماسی شدند و ایران نیز بر حقوق هسته‌ای خود تأکید کرد و با شرط آمریکا، «غنی‌سازی صفر»، مخالفت کرد. در چنین فضایی، نه امکان اجماع وجود دارد و نه زمینه چندانی برای اقدامات عملی بیشتر.

این وضعیت نشان از فرسایش کارآمدی شورای امنیت دارد. وقتی اعضای دائم حتی درباره مشروعیت دستورکار جلسه اختلاف‌نظر دارند، شورا عملاً کارایی لازم ندارد. این شکاف، فراتر از پرونده ایران به ساختار نظم بین‌الملل نیز سرایت کرده است. پرونده ایران اکنون نه صرفاً یک موضوع هسته‌ای، بلکه به بخشی از رقابت ساختاری میان قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است؛ رقابتی که در آن هر طرف تلاش می‌کند روایت خود را تثبیت کند و از ابزارهای حقوقی و سیاسی برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک خود بهره گیرد.

بازگشت تحریم‌های شورای امنیت و تداوم فشارهای غرب پیامدهایی چندلایه برای ایران دارد. از یک سو، فشار اقتصادی افزایش می‌یابد و مسیرهای دوزدن تحریم‌ها دشوارتر می‌شود. از سوی دیگر، ایران به سمت همکاری بیشتر با چین و روسیه سوق داده می‌شود و احتمال بازگشت به توافقی مشابه برجام کاهش می‌یابد. در سطح داخلی نیز این وضعیت می‌تواند به تقویت جریان‌های منجر شود که خواهان اقدامات شدیدتری ازجمله کاهش همکاری با آژانس یا حتی خروج از «ان‌پی‌تی» هستند؛ هرچند چنین سناریوهایی پرهزینه و کم‌احتمال‌اند. در چنین شرایطی، احتمال تکرار جلساتی مشابه در آینده همچنان وجود دارد، اما این جلسات بیشتر نقش «فشار سیاسی» خواهند داشت تا «اقدام عملی». آینده پرونده ایران بیش از هر چیز به تحولات ژئوپلیتیک، وضعیت داخلی ایران و میزان آمادگی طرف‌ها برای بازگشت به گفت‌وگو بستگی دارد. تا زمانی که این عوامل تغییر نکنند، شورای امنیت همچنان صحنه جنگ روایت‌ها خواهد بود، نه محل تصمیم‌گیری مؤثر.

تنها سناریویی که می‌تواند مسیر خروج را هم برای ایران و هم برای شورای امنیت فراهم کند، بازگشت به یک «چارچوب توافقی محدود و مرحله‌ای» است؛ چارچوبی که نه بازگشت کامل به برجام است و نه توافقی بزرگ و غیرقابل تحقق. در این سناریو، ایران بخشی از فعالیت‌های خود را در قالب یک بسته شفاف‌سازی و همکاری فنی با آژانس مدیریت می‌کند، بدون آنکه حقوق هسته‌ای‌اش نقض شود. در مقابل، آمریکا و اروپا بخشی از فشارهای اقتصادی را تعلیق می‌کنند و از پیگیری سیاسی مکانیسم ماشه در شورای امنیت دست می‌کشند. چین و روسیه نیز می‌توانند نقش تضمین‌کننده و میانجی را ایفا کنند.

**زهره فراهانی:** هفته گذشته انتشار

سرمقاله‌ای در روزنامه شرق درباره امکان و چرایی رابطه با ایالات متحده، موجی از واکنش‌ها و انتقاده‌ا را در میان رسانه‌های اصولگرا به دنبال داشت. اما ماجرا فراتر از یک سرمقاله و چند پاسخ تند رسانه‌ای است. پرسش اصلی در جایی آغاز می‌شود که چرا صرف بردن نام «آمریکا» هنوز هم جامعه ایران را به‌سرعت به دو قطب متضاد تقسیم می‌کند؛ شکافی که گاه مجال گفت‌وگوی عقلانی را نیز از بین می‌برد. این در حالی است که تجربه سال‌های اخیر و حتی

دهه‌های گذشته به‌روشنی نشان داده ایالات متحده نه شریک قابل اعتمادی بوده و نه نشانه‌ای جدی از تغییر پایدار در رفتار خود بروز داده است. این واقعیت بارها در قالب گزارش‌ها، تحلیل‌ها و پرونده‌های مختلف در همین روزنامه مورد واکاوی قرار گرفته و از زوایای گوناگون، ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن بررسی شده است. با این حال، همچنان هر بحثی درباره آمریکا، بیش از آنکه وارد سطح تحلیل شود، در میدان هیجان و دوگانه‌سازی گرفتار می‌شود.

**مباهوی صلح ادعایی واشنگتن در میانه جنگ ۱۲روزه**

در پی جنگ ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل –درگیری‌ای که با پشتیبانی آشکار ایالات متحده همراه بود– مقامات آمریکایی، به‌ویژه دونالد ترامپ، بارها مدعی شدند که توانسته‌اند مراکز هسته‌ای ایران را از کار بیندازند؛ ادعاهایی که در ادبیات رسمی واشنگتن، نه به عنوان تشدید تنش، بلکه ذیل عنوان «برقراری صلح» بازنمایی می‌شود. با این حال، پرونده مذاکرات و تقابل ایران و آمریکا محدود به این رخدادها نیست و ریشه در دهه‌ها کشمکش و بی‌اعتمادی متقابل دارد؛ روندی فرسایشی که به‌تدریج از سطح سیاست خارجی فراتر رفته و لایه‌های مختلف زندگی مردم در داخل کشور را تحت تأثیر قرار داده است. امروز کمتر حوزه‌ای را می‌توان یافت که از پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم این منازعه در امان مانده باشد.

**وقتی معیشت در جنبه فشارهای ناعادلانه گرفتار می‌شود**

در چنین شرایطی، وضعیت معیشتی مردم بیش از هر زمان دیگری به تحریم‌هایی گره خورده که گستره و شدت آنها، فشار اصلی را نه بر تصمیم‌گیران سیاسی، بلکه بر زندگی روزمره شهروندان تحمل کرده است؛ تحریم‌هایی که از نگاه بسیاری، صدق روشن مجازات ناعادلانه یک جامعه به شمار می‌آیند. اما اگر این پرونده را از زوایه‌ای دیگر بررسی کنیم و نگاه را به سطح جامعه بیاوریم، پرسشی اصلی این است: مردم امروز چه می‌خواهند؟ پاسخ، پیچیده و شعاری نیست؛ مطالبات عمومی بیش از هر چیز حول ثبات اقتصادی، امنیت معیشتی و امکان پیش‌بینی آینده می‌چرخد.

**از شعار «کافنداره» تا دلار ۱۳۲ هزار تومانی**

این در حالی است که در سال‌های گذشته، برخی مسئولان بارها تأکید کرده‌اند مکانیسم ماشه یا تشدید تحریم‌ها تأثیر جدی بر اقتصاد کشور ندارد. حتی در مقاطعی، از یک طیف فکری مشخص از دوران احمدی‌نژاد تا قفتمان نمایندگی‌شده توسط سعید جلیلی، تحریم‌ها به عنوان «کافنداره» توصیف شد. اما واقعیت‌های میدانی، روایت دیگری را پیش‌روی جامعه گذاشته است؛ روایتی که در آن، فشار اقتصادی به‌تدریج خود را در کوچک‌ترشدن سفره مردم و کاهش قدرت خرید نشان داده است. در کنار این عوامل بیرونی، بسیاری از کارشناس و حتی بخش قابل توجهی از افکار عمومی بر این باورند که بخش مهمی از مشکلات امروز، ریشه در مدیریت داخلی دارد، ناکارآمدی‌ها و تصمیم‌هایی که گاه اثرشان بر زندگی مردم، کمتر از تحریم‌های خارجی نبوده و نیست.

**بارادوکس تمایل عمومی و تریبون‌های رسمی؛ در جست‌وجوی کشایش خزنه‌اند**

همان‌گونه که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشور، بارها تأکید کرده است، تکیه بر توان نیروهای داخلی یک ضرورت انکارناپذیرست به شمار می‌آید، اما پرسش اساسی اینجاست: آیا برای به ثمر نشستن این رویکرد، زمان از دست نرفته است؟ امروز که نرخ دلار از مرز ۱۳۲ هزار تومان عبور کرده و جامعه یکی از گران‌ترین شبیه‌های بلدای دهه‌های اخیر را پشت سر گذاشته، این سؤال بیش از گذشته در ذهن افکار عمومی شکل گرفته است. در چنین شرایطی، گلابه و اعتراض صرف، دیگر راهگشا نیست. بخش قابل توجهی از مردم چشم‌انتظار یک کشایش در سطح بین‌المللی هستند؛ مذاکراتی که به نتیجه برسد، اما در عین حال، عزت، غرور و سرمایه‌های ملی کشور در آن قربانی نشود. در مقابل، اگر به رسانه‌های موسوم به اطلاعاتی و صداسوسیمار جوع کنیم، اغلب بر این‌ گزاره تأکید می‌شود که مردم اساساً خواهان مذاکره نیستند. اما پرسش مهم اینجاست: آیا این ادعا حاصل گفت‌وگو با تمام مردم است؟ پاسخ روشن است؛ خیر. واقعیت آن است که مردم پیش از هر چیز، به دنبال حداقلی از ثبات در هزینه‌های روزمره زندگی خود هستند. مفاهیمی چون «اقتصاد مقاومتی» اگرچه بارها تکرار شده، اما این پرسش همچنان پابرجاست که آیا همه مسئولان درک یکسان و عملیاتی‌ای آن دارند؟ شواهد موجود، پاسخ منفی می‌دهد. در همین راستا، حسن روحانی، رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم، در آخرین سخنرانی خود تأکید کرد که ایران در شرایط کنونی، در سیاست خارجی با بن‌بست مواجه نیست؛ اظهارناظری که با واکنش‌های تند از سوی جریان‌های رادیکال روبه‌رو شد. واکنش‌هایی که به نظر می‌رسد بیش از آنکه معطوف به محتوای سخن باشد، ریشه در حب و بغض‌های سیاسی داشته. آنچه امروز به مسئله اصلی تبدیل شده، این واقعیت

هاشمی طب‌ا و حقیقت‌پور در گفت‌وگو با «شرق» از گره‌گشایی در سایه تحریم گفتند

# دوگانه دیپلماسی و معیشت



است که مسئولان، به‌خوبی از ماهیت بحران‌ها آگاه هستند، اما اغلب در سطح بیان باقی می‌مانند. سیاست عدم رابطه با آمریکا ناکارآمد و بی‌اثر توصیف می‌شود، بی‌آنکه جایگزین عملی روشنی ارائه شود. در مقابل، بخشی از جامعه سخنی ساده و شفاف دارد: مذاکره، آری اما عزتمندانه، و تعامل با جهان، بدون دشمن‌تراشی دائمی. در این میان، یک خط قرمز همچنان ثابت و غیرقابل‌تغییر باقی می‌ماند که مسئله اسرائیل است و در نگاه جامعه ایرانی، جای بحث ندارد.

**هاشمی طب‌ا؛ گره معیشت در داخل بازی می‌شود، نه پشت میز مذاکره**

در این راستا «شرق» به گفت‌وگو با سیدمصطفی هاشمی‌طب‌ا، از چهره‌های اصلاح‌طلب پرداخت که او ناراضی‌ستی عمومی از وضعیت معیشتی که منشأ اصلی مشکلات را هم در تحریم‌ها و هم در سیاست‌های داخلی می‌داند و تأکید می‌کند که هرچند روایت بین‌الملل نقش مهمی در شرایط اقتصادی کشور دارد، اما سیاست‌های داخلی به‌جای مقابله با تحریم‌ها، عملاً در جهت تشدید آثار آنها حرکت کرده است. هاشمی‌طب‌ا با اشاره به تجربه دوران دفاع مقدس تصریح کرد: در آن مقطع نیز کشور با تحریم، کمبود ارز و فشارهای اقتصادی مواجه بود، اما با اتخاذ سیاست‌های مشخص در حوزه معیشت و زندگی مردم، نیازهای روزمره جامعه تأمین می‌شد و مردم فشار گرانی را به شکل ملموس احساس نمی‌کردند. به گفته او، در شرایط فعلی، در حالی که تحریم‌ها پابرجاست، همواره اعلام شده که تحریم‌ها اثری ندارد، اما در عمل، سیاست‌های ناهماهنگ و نوعی شلختگی مدیریتی در کشور ادامه یافته است. این چهره اصلاح‌طلب با بیان اینکه تحریم‌ها به‌طور طبیعی اثرگذار هستند، افزود: علت اصلی اثرگذاری تحریم‌ها، نبود سیاست‌های مؤثرتر مقابله‌ای در داخل کشور است. در واقع، فضای اقتصادی به‌گونه‌ای رها شده که رانت، قاچاق و بی‌انضباطی گسترش یافته است؛ به‌طوری‌که روزانه حدود ۲۰ میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود و قاچاقچیان از هر نقطه مرزی امکان ورود و خروج کالا دارند. او سیاست‌های اقتصادی موجود را فاقد چارچوب مشخص دانست و آنها را نه لیبرالی و نه منسجم توصیف کرد.

او در ادامه به سخنان اخیر رئیس‌جمهور پیشین، حسن روحانی، درباره بازبودن مسیر مذاکره اشاره کرد و گفت: منظور ایشان این نبود که بن‌بست کاملاً شکسته شده، بلکه به وجود برخی مسیرهای محدود اشاره داشتند. با این حال، شرایط فعلی مذاکره را بسیار دشوار توصیف کرد و افزود: طرف مقابل شروطی غیرقابل‌پذیرش مطرح می‌کند و خواستار پذیرش کامل مطالبات خود پیش از آغاز مذاکره است؛ بنابراین این روند در شرایط کنونی قابل قبول نیست و سخنان آقای روحانی تا حدی خوش‌بینانه بوده است.

او در پاسخ به این پرسش که نقش مدیریت داخلی در مقایسه با روابط بین‌الملل در برن‌رفت از وضعیت فعلی تا چه اندازه است، تأکید کرد: با ساختار فعلی مدیریت داخلی، حتی اگر تمام تحریم‌ها برداشته شود، کشور به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. به گفته او، اقتصاد ایران نیازمند یک طراحی و بازآرایی اساسی است.

هاشمی‌طب‌ا در پایان با اشاره به مقاله‌ای که در روزنامه شرق درباره نامه ۱۸۰ اقتصاددان منتشر کرده، اظهار داشت: تمرکز صرف بر بودجه، بخش‌خط کوچک‌ی از مسئله اقتصاد کشور است و لازم است برنامه‌ای جامع ارائه شود که مشخص کند اقتصاد کشور چگونه باید اداره شود. این کارشناس تصریح کرد حتی در صورت رفع کامل تحریم‌ها و بهبود روابط خارجی، با روش فعلی اداره اقتصاد، مشکلات اساسی کشور حل نخواهد شد.

**زیستن در برنخ «انتظار و تردید»؛ میان هشدارهای نظامی و پالس‌های دیپلماتیک**

با توجه به اظهارات هاشمی‌طب‌ا، اگر به فضای عمومی جامعه، کوچه‌ها، خیابان‌ها و بازار نگاه کنیم، می‌توان وضعیت را به نوعی معلق و نامطمئن توصیف کرد. از یک سو، وزیر امور خارجه کشور تأکید می‌کند که در حال حاضر هیچ مذاکره‌ای در جریان نیست، اما در عین حال دیدارهای با کشورهایمانند عمان و روسیه انجام می‌شود که به‌نوعی امیدواری و دلخوشی در جامعه ایجاد می‌کند و ممکن است این تصور را به وجود آورد که روند موجود در آینده تغییر خواهد کرد. از سوی دیگر، شرایط با گزارش‌ها و مصاحبه‌های روزانه مسئولان نظامی کشور که بر آمادگی نیروهای مسلح تأکید دارند، پیچیده‌تر می‌شود و پرسشی جدی در ذهن مردم ایجاد می‌کند: آیا احتمال جنگ واقعی وجود دارد یا این صرفاً گفتارها و هشدارهای معمول است؟ در کنار این، اظهارات متناقض و گاه ضدونقیض مقامات خارجی مانند ترامپ، که هم‌زمان از بازبودن مسیر مذاکره سخن می‌گویند اما با شروط مشخص، بر ابهام و سردرگمی موجود می‌افزایند. به طور کلی، فضای جامعه و سیاست خارجی کشور در این مقطع زمانی، در حالت انتظار و تردید قرار دارد و تحلیل دقیق آن نیازمند رصد

مستمر تحولات داخلی و خارجی است. ضرورت دارد که با مردم وارد گفت‌وگو شد و تمامی زوایا و ابعاد مسائل بازگشایی شود. یکی از پرسش‌های اساسی که مطرح است، این است که در شرایطی که «نه» به مذاکره با قدرت‌های خارجی گفته می‌شود، چه راهکاری برای مقابله با تحریم‌ها وجود دارد؟ نکته قابل توجه این است که برخی از وزرا که مستقیماً با زندگی و سفره مردم در ارتباط هستند، عملکرد منفی از خود نشان داده‌اند و این موضوع وضعیت معیشتی و رضایت عمومی را تحت تأثیر قرار داده است.

اگر افکار جریان‌های سیاسی خاص را کنار بگذاریم، سؤال اصلی این است که چرا مردم در وضعیت دشواری قرار گرفته‌اند؟ وضعیتی که نه‌تنها امکان مذاکره مستقیم و مؤثر با طرف‌های خارجی فراهم نمی‌شود، بلکه راهکار مشخصی برای بهبود مدیریت کشور و التیام شرایط اقتصادی ارائه نمی‌شود. به عنوان نمونه، دکتر پزشکیان روزانه به مشکلات مردم اشاره می‌کند و تأکید دارد در مقابل‌ترامپ زورگو پای میز مذاکره نمی‌نشینیم. این موضع از نظر اصولی قابل احترام است، اما پرسش جدی این است که اگر نشستن پای میز مذاکره را کنار می‌گذاریم، راهکار مدیریتی جایگزین چیست؟ چرا مسئولان در قبال مردم و مشکلات آنها پاسخ‌گو نیستند؟ به طور کلی، وضعیت موجود نیازمند شفافیت، پاسخ‌گویی و ارائه راهکارهای عملی است تا مردم بتوانند تحولات کشور را با وضوح بیشتری دنبال کنند و احساس کنند که مسئولان در قبال مشکلات آنها مسئولیت‌پذیر هستند.

**منصور حقیقت‌پور؛ فشار معیشت ربط مستقیمی به آمریکا ندارد؛ سومه‌دیریت داخلی مقصر اصلی است**

منصور حقیقت‌پور از نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی و از نزدیکان علی لاریجانی درباره روابط ایران و آمریکا به «شرق» از نگاه منفی خود گفت و معتقد است رویکرد فعلی کشور، رویکرد مذاکره‌ای نیست. او توضیح می‌دهد: کسی که قرار است مذاکره کند، قدری نمی‌کند. الان شرایط آفرانه به گونه‌ای است که در موضع قدری قرار گرفته. تجربه مذاکرات دیگر کشورها هم نشان داده نتیجه‌ای نداشته؛ چه در اوکراین، چه در لبنان، حتی در آمریکای لاتین. ما نیز به نافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تاریخ مذاکره‌ای نداشته‌ایم که نتیجه‌ای برای ما داشته باشد. ما باید خویشن‌داری کنیم، روی پای خودمان بایستیم و مقاومت کنیم تا این رویکرد تغییر کند. او درباره وضعیت معیشتی مردم تأکید می‌کند که نباید تمام مشکلات را به تحریم‌ها و روابط بین‌المللی ربط داد؛ مشکل اصلی سومه‌دیریت و ناکارآمدی داخلی است. ما نباید همه چیز را گردن آمریکایی‌ها بیندازیم. معتمدکم که مذاکرات رفع تحریم‌ها شاید تا ۳۰ درصد کشایش ایجاد کند، اما باقی مشکلات، مثل قیمت نان که پنج درصد متقلات دارد، ربط مستقیمی به آمریکا ندارد. وقتی سبب‌زمینی می‌خری، دلار دارد بالا و پایین می‌شود، اما این مربوط به آمریکایی‌ها نیست. این نماینده ادوار مجلس ادامه می‌دهد: سا مذاکره را ترک نمی‌کنیم و نکرديم، اما مذاکره فقط در شرایط متعادل و وقتی تأمین منافع ملی ممکن است معنا دارد. اگر زور بزنند، مذاکره نمی‌کنیم و اگر زور بزنیم هم اهل جنگ هستیم. در دور ششم مذاکره، خانه ما را بمباران کردند، آن وقت مذاکره معنا نداشت. دنیا التزام ندارد، هیچ چیزی نمی‌تواند در دنیا التزام بدهد. هفت، هشت، ۱۰ کشور بلند شدند و رفتند در شرم‌الشیخ. قرار بود ضامن باشند که اسرائیل تعدی نکند، اما از آن تاریخ تا حالا بیش از هزار نفر شهید شده‌اند. عمل‌ا کاری نکرده‌اند. پاکستان کجا هستند؟ کسی که رفت در اردن کجاست؟ قرار بود اسرائیلی‌ها دیگر این بلا را سر مردم غزه نیاورند، اما به تعهد عمل نکردند. این نشان می‌دهد که وقتی کشورهای دیگر قول می‌دهند، عمل نمی‌کنند.

او به صحبت‌های اخیر حسن روحانی درباره بازبودن راه مذاکره هم واکنش نشان می‌دهد: مذاکره اقتضائی است. مدیریت داخلی اهمیت بیشتری دارد. همه چیز باید درست باشد. اگر مذاکره کنیم، باید به نفع ملت باشد. تجربه نشان داده کشورهای دیگر وقتی قبول داده‌اند، عملاً کاری نکرده‌اند. ما مذاکره می‌کنیم به شرطی که منافع ملی تأمین شود. ما هیچ‌وقت مذاکره‌ای نمی‌کنیم که فقط به ضرر مردم باشد.

حقیقت‌پور درباره راهکار برون‌رفت از وضعیت کنونی تأکید می‌کند: تقویت مدیریت داخلی و انتخاب مدیران قوی ضروری است. باید تولید امید کنیم. مردم را ناامید نکنیم. اصلاحات باید از داخل باشد و روی قدرت داخلی کشور تکیه کنیم. آمریکایی‌ها متعهد نیستند، عهدشکن هستند، زیر میز می‌زنند و بمباران می‌کنند. ما نباید وابسته باشیم و باید روی قدرت داخلی خودمان بایستیم. او درباره اهمیت اقتدار داخلی و مقاومت می‌گوید: بر اساس تاریخ و تجربه، مذاکره فقط زمانی معنا دارد که طرف مقابل عاقل و متعهد باشد. ما نباید منتظر باشیم که آمریکا با کشورهای دیگر اخلاق و التزام داشته باشند. ایران باید روی پای خودش بایستد، خویشن‌تداری و توان خود را تقویت کند. ما باید توانایی داخلی را بالا ببریم و اعتمادبه‌نفس ملی را حفظ کنیم. او همچنین درباره نقش مدیریت و مسئولان داخلی می‌گوید: اگر مدیران قوی‌تر انتخاب و سیاست‌ها درست اجرا شوند، می‌توان فشارها را کاهش داد و وضعیت معیشت مردم را بهبود بخشید. ما باید امید بسازیم، نه ناامیدی. مردم نباید از ضعف مدیریت یا سیاست‌های نادرست ناامید شوند. اصلاح و پیشرفت واقعی از داخل شروع می‌شود، نه از مذاکره‌ای که به نفع دشمن باشد.

#### خبر

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای انکگره بزرگداشت آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی: **آیت‌الله میلانی از ارکان نهضت اسلامی است**

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری انکگره بزرگداشت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی در محل برگزاری این همایش در حرم مطهر رضوی منتشر شد. رهبر انقلاب در این دیدار، ضمن قدردانی از برگزاری چنین کنگره‌ای، مرحوم آیت‌الله میلانی را یک شخصیت جامع‌الاطراف از لحاظ «معنوی»، «اخلاقی»، «علمی» و «اجتماعی و سیاسی» دانستند و تأکید کردند: آیت‌الله میلانی واقعا احیاگر حوزه علمیه مشهد بود و این حوزه مدیون آن مرحوم است. رهبر انقلاب، آیت‌الله میلانی را از لحاظ فردی، شخصی ممتاز و دارای وقار و متانت و در عین حال تواضع، وفاداری نسبت به دوستان و برخورداری از لطافت روحی و ذوق شعر توصیف کردند و افزودند: آن مرحوم از لحاظ علمی یک ملای بزرگ بود که از محضر اساتیدی همچون مرحوم نائینی و مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی بهره برده و در «درس و بحث علمی» خوش‌بین بود و طلبه‌های فاضلی را پرورش می‌داد. حضرت آیت‌الله خاмене‌ای یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی آیت‌الله میلانی را اهل سلوک بودن آن مرحوم برشمردند و با اشاره به حضور ایشان در متن فضایی اجتماعی و سیاسی آن زمان گفتند: آقای میلانی در دوران شروع مبارزات در اوایل دهه چهل، حقایکی از ارکان نهضت اسلامی بود و در متن مسائل حضور داشت که سفر به تهران به همراه جمع دیگری از علما بعد از بازداشت امام خمینی (ره)، نمونه‌ای از حضور تأثیرگذار در مسائل سیاسی است. رهبر انقلاب اعلامیه‌های قوی و متین و محکم آیت‌الله میلانی در حمایت از نهضت اسلامی را نمونه دیگری از حضور تأثیرگذار آن مرحوم در متن مسائل سیاسی دانستند و گفتند: نامه ایشان در حمایت از امام خمینی (ره) بعد از تبعید امام به ترکیه، یک سند تاریخی است. حضرت آیت‌الله خاмене‌ای تأکید کردند: آیت‌الله میلانی با مبارزان و افراد گوناگون از جریان‌های مختلف سیاسی ارتباط داشت اما همواره از منتسب‌شدن به یک جریان سیاسی خاص به‌شدت پرهیز می‌کرد. ایشان در پایان اظهار امیدواری کردند برگزاری این همایش زمینه‌ساز شناساندن‌شدن ابعاد شخصیتی آیت‌الله میلانی، به مردم باشد. در ابتدای این دیدار حجت‌الاسلام‌المسلمین مروی، تولیت آستان قدس رضوی، گزارشی از اهداف همایش بزرگداشت آیت‌الله میلانی و کمیته‌های علمی آن و همچنین برگزاری پیش‌نشست‌ها در مشهد مقدس و کربلای معلی، ارائه کرد.

**تحریم‌وبرکت؛ شوخی تلخ بامردم**

در اظهارات اخیر عراقچی، وزیر امور خارجه، جمله کوتاه او درباره تحریم‌ها که مدعی شد «می‌دانم تحریم‌ها چیست و چه آثار و هزینه‌هایی دارد، اما برکتی هم دارد»، به‌سرعت تبدیل به محور بحث و انتقادهای جدی شد. این گزاره هرچند از نگاه خود عراقچی ظاهراً بیان محتاطانه و تحلیل‌محورانه‌ای از تحریم‌ها بود، اما در شرایط فعلی ایران که اقتصاد و معیشت مردم تحت‌فشار شدید‌تورم‌افزایشی‌پس‌سابقه قیمت ارز و رکوردشکنی‌های بازارهای مختلف قرار دارد، واکنش‌های گسترده‌ای به همراه داشت. واقعیت این است که توصیف تحریم‌ها به‌عنوان «دارای برکت»، نه‌تنها با وضعیت ملموس مردم همخوانی ندارد، بلکه نوعی بی‌توجهی به دشواری‌ها و سختی‌های روزمره‌تان تلقی می‌شود. بسیاری از شهروندان، کسبه و فعالان اقتصادی، روزانه با مشکلاتی مواجه هستند که حاصل سیاست‌های خارجی ناکارآمد و تحریم‌های یک‌جانبه و بی‌کفایتی دولت چهاردهم‌است و هرگونه اظهارنظر که حتی به صورت ضمنی این فشارها را کم‌اهمیت جلوه دهد، می‌تواند به تنش‌های اجتماعی دامن بزند. عراقچی با بیان این سخنان، ناخواسته این پرسش را برمی‌انگیزد که چرا در شرایطی که مردم از رکود اقتصادی، تورم و بی‌ثباتی بازارها رنج می‌برند، باید از الفاظی استفاده شود که به‌جای همدلی و توجه به مشکلات، نوعی خوش‌بینی یا مشروعیت‌بخشی به تحریم‌ها را القا می‌کند؟ این رفتار به‌ویژه در شرایطی که فعال‌سازی مکانیسم‌ماشه،افزایش‌قیمت‌هاو نوسانات شدید بازارها ادامه دارد، بیشتر محل انتقاد است. در نهایت، سخنان عراقچی هرچند به‌ظاهر محتاطانه بوده است، اما از نظر اجتماعی و سیاسی قابل دفاع نیست و نیازمند اصلاح ادبیات و بازنگری جدی در بیان تحلیل‌هاومواضع مسئولان است‌تا‌همخوانی بیشتری با شرایط واقعی جامعه داشته باشد.